

واکنش بازار نسبت به اطلاعات نامشهود: نقش تعدیل کننده سرمایه‌گذاران نهادی

حمیدرضا بزاززاده تربتی *

اسفندیار ملکیان **

یحیی کامیابی ***

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۱۲/۲۳

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۰۵/۲۳

چکیده:

این پژوهش با هدف بررسی واکنش سرمایه‌گذاران بازار بورس اوراق بهادار تهران نسبت به اطلاعات نامشهود و نقش سرمایه‌گذاران نهادی در تعدیل این واکنش، انجام گرفته است. اطلاعاتی نظیر فرصت‌های سرمایه‌گذاری سودآور آینده که خبرهایی درباره عملکرد آینده شرکت ارائه می‌کند، ولی از طریق ارقام حسابداری نظیر نسبت ارزش دفتری به بازار حقوق صاحبان سهام (B/M) قابل اندازه‌گیری نیستند، اطلاعات نامشهود تلقی می‌شوند. بدین منظور با استفاده از داده‌های ۱۹۷ شرکت در بازه زمانی ۱۳۸۹ تا ۱۳۹۲ و با استفاده از اطلاعات بازده سالانه برای هر دوره منتهی به ۳/۳۱، ۶/۳۱، ۹/۳۰ و ۱۲/۲۹ در دوره پژوهش، به ازمون فرضیه‌های پژوهش پرداخته شد. نتایج آزمون‌ها نشان می‌دهد، در بازه زمانی یک ساله، با دوره‌های تاخیر متفاوت، رابطه منفی معناداری بین بازده نامشهود سالانه و بازده‌های ماهانه آتی وجود دارد. در واقع، بازار در

* دانشجوی دکترای حسابداری، گروه حسابداری، دانشگاه مازندران، مازندران، ایران

Email: hrbt_ni@yahoo.com

** دانشیار حسابداری، گروه حسابداری، دانشگاه مازندران، مازندران، ایران (نویسنده مسئول)

Email: e.malekian@umz.ac.ir

*** استادیار حسابداری، گروه حسابداری، دانشگاه مازندران، مازندران، ایران

Email: y.kamyabi@umz.ac.ir

اکثر موارد نسبت به اطلاعات نامشهود واکنش بیش از واقع نشان داده است، که با انتشار اخبار جدید، انتظارات تعدیل گردیده است. همچنین شواهد حاکی از این واقعیت هستند که درمورد شرکت‌های دارای سرمایه‌گذاران نهادی بیشتر، واکنش بیش از اندازه بیشتری از سوی سرمایه‌گذاران مشاهده گردید.

واژه‌های کلیدی: بازده نامشهود، واکنش بازار، اطلاعات نامشهود، سرمایه‌گذاران نهادی

۱- مقدمه

طی دهه ۹۰ میلادی، اکثر پژوهش‌های مالی به بسط مدل‌های روانشناسی و ارتباط آنها با بازارهای مالی سوق پیدا کرد. پژوهشگران ناهنجاری‌های فراوانی را در بازارهای مالی پیش روی داشتند که مدل‌های نظری قادر به تبیین آن نبود. بسیاری از سرمایه‌گذاران در گذشته به این نتیجه رسیده بودند که پدیده‌های روانشناختی نقش مهمی در تعیین رفتارهای بازارهای مالی دارد. با این وجود پژوهش‌های مالی در این حوزه در طی دهه ۹۰ میلادی گسترش یافت.

مالی رفتاری به دنبال تأثیر فرایندهای روانشناختی در تصمیم‌گیری است. علاوه بر آن مالی رفتاری را می‌توان پارادایمی دانست که با توجه به آن، بازارهای مالی با استفاده از مدل‌هایی مورد مطالعه قرار می‌گیرند که دو فرض اصلی و محدودکننده پارادایم سنتی، بیشینه‌سازی مطلوبیت مورد انتظار و عقلانیت کامل، را کنار می‌گذارند (راعی و فلاح پور، ۱۳۸۳).

در این راستا، مدل‌های رفتاری مخصوصاً برای تبیین این ناهنجاری‌ها طراحی شدند (چانگ^۱، ۲۰۰۷) که از جمله آنها می‌توان به مدل‌های رفتاری باربریز^۲ و همکاران (۱۹۹۸)، مدل دنیل^۳ و همکاران (۱۹۹۸) و مدل هانگ و استین^۴ (۱۹۹۹) اشاره نمود که به واژگونی یا بازگشت قیمت سهام^۵ پرداخته‌اند. مدل‌های رفتاری، در توجیه این ناهنجاری، از انحرافات روانشناختی^۶ انسانی در پردازش اطلاعات، بهره می‌برند. بعنوان مثال باربریز و همکاران (۱۹۹۸) پیشنهاد نمودند سرمایه‌گذاران در پردازش اطلاعات سهام، دچار انحرافات ناشی از محافظه‌کاری^۷ و نمایندگی^۸ می‌شوند. محافظه‌کاری باعث می‌شود، هنگامیکه سرمایه‌گذاران با اطلاعات با سازگاری کم مواجه

1 Chang

2 Barberis

3 Daniel

4 Hong and Stein

5 Reversal

6 Psychological Bias

7 Conservatism Biases

8 Representativeness Biases

می‌شوند، واکنش ضعیفی^۱ نشان دهند که این خود باعث می‌شود با تداوم حرکت مداوم قیمت سهام آروبرو شویم. اما زمانیکه سرمایه‌گذاران با یک سری از اطلاعات سازگار روبرو می‌شوند، تحت تاثیر انحراف اکتشافی نمایندگی^۳ (در این نوع تصمیم‌گیری، فرد در تصمیم‌گیری از تجربیات گذشته خود استفاده می‌کند و تصمیمی را اتخاذ می‌کند که در شرایط مشابه گذشته اتخاذ کرده است) قرار می‌گیرند و واکنش شدیدی نشان می‌دهند که نهایتاً منجر به واژگونی قیمت سهام در آینده می‌شود.

وجود واژگونی یا بازگشت قیمت سهام در پژوهش‌های متعددی مورد تایید قرار گرفته است. بعنوان مثال، دیپونت و تالر^۴ (۱۹۸۵) دریافتند که بازده‌های سهام طی دوره سه تا پنج ساله بطور منفی با بازده‌های آتی ارتباط دارند. تعدادی از پژوهش‌های موردی پیرامون زمان اعلامیه‌های شرکتها نیز نشان دادند، بعد از اعلامیه‌های حاوی خبر خوب (بد)، قیمت سهام گرایش به تداوم حرکت^۵ صعودی (نزولی) دارد، ولی در برخی موارد، واژگونی قیمت طولانی مدت را تجربه کرده اند. در واقع با فرض وجود محدودیت در انجام آربیتراژ، مدل‌های رفتاری، منجر به شناسایی قیمت‌های تحریف شده سهام و نتیجتاً واژگونی قیمت‌ها می‌شوند (چانگ، ۲۰۰۷).

از سوی دیگر دنیل و همکاران (۱۹۹۸) عنوان کردند که سرمایه‌گذاران نسبت به علائم (اطلاعات) خصوصی واکنش شدید نشان می‌دهند، زیرا دارای فرااطمینان^۵ هستند و مایلند بپذیرند علائم عمومی بعدی بطور متوسط اطلاعات گذشته آنان را تایید خواهد کرد. لذا زمانیکه اطلاعات عمومی بعدی می‌رسند، سرمایه‌گذاران بطور فزاینده‌ای دچار فرااطمینان می‌شوند و واکنش ضعیفی نسبت به اطلاعات عمومی نشان می‌دهند که منجر به تداوم حرکت قیمت سهام می‌شود. نهایتاً، علائم عمومی قطعی می‌رسند و باعث می‌شوند قیمت‌ها به ارزش بنیادین خود بازگردند و واژگونی بلندمدت قیمت سهام رخ دهد.

هرچند نتایج پژوهش‌ها درمورد انحراف رفتاری فرااطمینان در ایران متناقض است (اسلامی بیدگلی و طهرانی، ۱۳۸۶؛ جهانخانی، نوفرستی و قراگوزلو، ۱۳۸۸ و بدری و کوچکی، ۱۳۹۲)، اما وجود واژگونی شاخص‌ها و قیمت سهام در ایران تایید شده است (بعنوان مثال مراجعه شود به تهرانی و همکاران، ۱۳۸۷؛ جلالی نائینی و همکاران، ۱۳۹۰؛ کرباسی یزدی و همکاران، ۱۳۹۱).

1 Under React

2 Momentum

3 Representativeness Heuristics Bias

4 De Bondt and Thaler

5 Overconfident

اما انتقاد رایجی که به مدل‌های رفتاری وارد می‌شود این است که طراحان این مدل‌ها، به نوع خاص اطلاعاتی که اثر آنها را در مدل‌هایشان مورد بررسی قرار می‌دهند، به روشنی اشاره نمی‌کنند. مثلاً، باربریز و همکاران (۱۹۹۸) در مدل خود، اطلاعات را به خوب و بد تقسیم می‌کنند، ولی به محتوای دقیق آنها اشاره نمی‌کنند. در راستای رفع این عیب، دنیل و تیتمن (۲۰۰۶) سعی نمودند با تجزیه بازده به بخش مشهود و نامشهود، اثر اطلاعات حسابداری وارد شده در مدل و اثر اطلاعات منظور نشده در مدل را مشخص کنند. بازده نامشهود مفهومی است که برای اولین بار در سال ۲۰۰۶ توسط آنان طرح گردید و توانست به توجیه بخشی از نوسانات قیمت کمک نماید. این پژوهشگران عنوان نمودند، اطلاعات اثرگذار بر قیمت سهام به دو دسته اطلاعات مشهود و نامشهود قابل تفکیک است. اطلاعات مشهود نظیر سود عملیاتی یا نسبت ارزش دفتری به ارزش بازار دربردارنده اطلاعاتی درباره عملکرد گذشته و حال هر شرکت هستند که از طریق معیارها و اعداد و ارقام حسابداری در صورتهای مالی انعکاس می‌یابد. اطلاعات دیگر نظیر فرصتهای سرمایه‌گذاری سودآور آینده که خبرهایی درباره عملکرد آینده شرکت عرضه می‌کند، ولی از طریق ارقام و معیارهای حسابداری قابل اندازه‌گیری نیست، اطلاعات نامشهود تلقی می‌شود. با توجه به اینکه کل اطلاعات در قیمت و بازده سهام انعکاس یافته است، بازده تحقق یافته هر سهم دربردارنده اطلاعات مشهود و نامشهود یا بعبارتی بازده مشهود و بازده نامشهود است (دنیل و تیتمن، ۲۰۰۶).

طبق بررسی‌های انجام شده، بجز پژوهش فدایی نژاد و کامل نیا (۱۳۹۵) که به بررسی واکنش بازار نسبت به اطلاعات نامشهود و مشهود پرداخته‌اند و البته انتقاداتی به روش آزمون فرضیه‌های آنان وارد است، در ایران پژوهش دیگری به بررسی تاثیرگذاری اطلاعات نامشهود در تعیین قیمت سهام شرکت‌ها و نیز نقش سرمایه‌گذاران نهادی نپرداخته است. در این مقاله پژوهشگران برای آزمون فرضیه‌های خود از روش‌های آماری مبتنی بر داده‌های تابلویی استفاده کرده‌اند، در حالیکه داده‌های مورد استفاده فاقد ویژگی سری زمانی هستند و لازم است مطابق با مقاله دنیل و تیتمن (۲۰۰۶) از رگرسیون چند متغیره بصورت مقطعی استفاده شود و نهایتاً میانگین ضرایب برای بررسی ادعاهای پژوهش استفاده گردد.

لذا، این پژوهش به دنبال بررسی این پدیده در ایران و چگونگی واکنش سرمایه‌گذاران به اطلاعات نامشهود و نقش تعدیل‌کننده احتمالی سرمایه‌گذاران نهادی است. پرداختن به این موضوع از این حیث می‌تواند دارای اهمیت باشد که در پیش‌بینی واکنش سرمایه‌گذاران و قیمت سهام شرکت‌ها موثر بوده و در تکامل مدل‌های رفتاری نقش دارد و با توجه به حضور پررنگ

سرمایه‌گذاران نهادی در بازار ایران، می‌تواند در شناسایی ساز و کارهای بازار برای قیمت‌گذاری اوراق بهادار مفید باشد.

در ادامه پیشینه پژوهش و مبانی نظری فرضیه‌ها، روش پژوهش و نتایج آزمون فرضیه‌های پژوهش بیان شده است. در انتها نیز نتایج بدست آمده مورد بحث و بررسی قرار گرفته‌اند.

۲- پیشینه پژوهش

۲-۱- پژوهش‌های خارجی

چانگ و چنگ^۱ (۲۰۱۵) در بررسی محیط اطلاعاتی شرکت‌ها و واکنش بازار به اخبار غیر مالی (یا بی خبری) دریافتند یک درصد افزایش در بازده نامشهود شرکت‌های کوچک (شرکت‌های بزرگ) منجر به ۰/۶۷ درصد کاهش (۰/۳۹ درصد افزایش) در بازده ماهانه شرکت‌ها طی یک دوره زمانی ۱۲ ماهه می‌شود. نتایج برای اخباری درمورد تعدیل ویژگی‌های شرکت^۲، معیارهای گوناگون محیط اطلاعاتی شرکت و اطلاعات خصوصی، ریسک خاص شرکت^۳ و تأثیرات ساختار خرد شرکت^۴ با اهمیت بود. این نتایج نشان می‌دهند که تصمیم‌گیرندگان در شرایط محیط اطلاعاتی غنی، انحراف بیشتری در قیمت‌گذاری سهام شرکت‌ها نشان می‌دهند.

برندون و وسترمن^۵ (۲۰۱۳) به بررسی تأثیر واکنش‌های بیش از اندازه اصلاحی در قیمت سهام پرداختند. آنان با انجام تحلیل مقطعی ارتباط بین واکنش‌های بیش از اندازه اصلاحی و معیارهای سنتی حساسیت بازار و ویژگی‌های شرکت را بررسی نمودند و دریافتند واکنش‌های اصلاحی بیش از اندازه با این متغیرها بخوبی توضیح داده نمی‌شود.

بوئرا^۶ (۲۰۱۳) نشان داد زمانیکه بازده افراد برنده^۷ مبتنی بر اطلاعات نامشهود است، سود سرمایه‌گذاری توزیع نشده^۸ بازگشت بازده را برای افراد برنده توضیح نمی‌دهد. در واقع بازگشت بازده نامشهود برندگان پس از کنترل رشد دارایی‌ها و مخارج سرمایه‌ای، مدت زیادی طول می‌کشد.

1 Cheng

2 Firm Characteristics Adjustments

3 Idiosyncratic Risk

4 Microstructure Effects

5 Brandon and Westermann

6 Bhootra

7 Winners

8 Locked-In Capital Gains

کشد و با اهمیت است. وی دریافت میزان بازگشت مربوط به اطلاعات نامشهود ناشی از واکنش بیش از اندازه سرمایه‌گذاران به اطلاعات نامشهود است.

سان و وی^۱ (۲۰۱۱) به مطالعه این موضوع پرداختند که آیا اطلاعات نامشهود شرکت بر رفتار تحلیلگران تاثیر می‌گذارد یا نه. آنان دریافتند زمانیکه تحلیلگران تصمیماتی می‌گیرند که بیشتر قضاوتی است، مانند پیشنهادات انتشار سهام، تاکید بیشتری بر اطلاعات نامشهود دارند که منجر به واکنش بیش از اندازه^۲ نسبت به اطلاعات نامشهود می‌شود و بالعکس هنگامیکه تصمیماتی اتخاذ می‌کنند که کمتر قضاوتی است، مانند پیش بینی سود هر سهم، واکنش بیش از اندازه از خود بروز نمی‌دهند. همچنین آنان دریافتند که انحراف ناشی از فرااطمینان در پیشنهادات تحلیلگران باعث واکنش بیش از اندازه بازار به اطلاعات نامشهود می‌شود.

اسپرینگر و ولپ^۳ (۲۰۱۱) به بررسی تاثیر رویدادهای مختلف خبری که درمورد شرکت وجود دارد (اخباری درمورد حاکمیت شرکتی، عملیات و موضوعات حقوقی) بر قیمت سهام شرکت‌های S&P 500 پرداختند. آنان از روش‌های زبان شناختی محاسباتی^۴ پس از کنترل اثر احساسات (لحن مثبت یا منفی) اخبار، برای تمیز اخبار خوب و بد استفاده کردند. نتایج پژوهش آنان نشان داد، ارزش خالص بازده‌های انباشته قبل از یک رویداد خبری برای اخبار مثبت نسبت به اخبار بد بیشتر است که نشان می‌دهد شایعات زیادی قبل از اخبار خوب منتشر می‌شود. آنان همچنین دریافتند که واکنش بازار اساساً بسته به نوع رویداد خبری متفاوت است. همچنین نوع صنعت هم بعضاً می‌تواند واکنش بازار را به یک رویداد خبری تحت تاثیر قرار دهد.

جیانگ^۵ (۲۰۱۰) در بررسی ارتباط بین رفتار مبادلاتی نهادهای سرمایه‌گذاری و تاثیر نسبت ارزش دفتری به بازار بنا بر یافته‌های دنیل و تیتمن (۲۰۰۶)، که عنوان می‌نمایند تاثیر نسبت ارزش دفتری به بازار ناشی از بازگشت بازده‌های نامشهود است، دریافت سرمایه‌گذاران نهادی در واکنش به اطلاعات نامشهود مثبت یا منفی تمایل دارند سهام را بصورت گروهی خریداری کرده یا بفروشند و بازگشت بازده‌های نامشهود، بیشتر برای سهم‌هایی است که در این نهادها جمع

1 Sun and Wei

2 Overreact

3 Sprenger and Welp

4 Computational Linguistics Methods

5 Jiang

شده اند. همچنین وی دریافت تاثیر ارزش دفتری به بازار در سهم هایی که بشکل گسترده در این نهادها جمع شده اند، با اهمیت و زیاد است و در نهادهایی که سهام گروهی کمی نگهداری می کنند وجود ندارد. وی نشان داد تمایل نهادها برای معاملات گروهی در مقابل اطلاعات نامشهود، واکنش قیمتی بیش از اندازه را بیشتر می کند که بر صرف ارزش^۱ تاثیر می گذارد.

چانگ (۲۰۰۷) در بررسی واکنش سرمایه گذاران نسبت به بازده نامشهود سهام در بازار نیویورک و نزدک طی دوره زمانی ۱۹۸۰ لغایت ۲۰۰۵ دریافت که در افق زمانی یک ساله که با واکنش ضعیف سرمایه گذاران همراه بوده است، سرمایه گذاران تمایل دارند نسبت به اطلاعات نامشهود واکنش بیش از اندازه نشان دهند، بطوریکه توان پیش بینی کنندگی بازده آتی را توسط بازده منفی افزایش می دهد. علاوه بر این، وی دریافت این تاثیر بطور مستقیم با اندازه شرکت ارتباط دارد.

دنیل و تیتمن^۲ (۲۰۰۶) در بررسی رابطه بین بازده سهام شرکت ها و بازده آتی آنها دریافتند بازده آتی سهام با عملکرد گذشته شرکت که با معیارهای مبتنی بر ارقام حسابداری سنجیده شده است، ارتباطی ندارد اما با بازده نامشهود دارای ارتباط منفی معنادار است.

۲-۲- پژوهش های داخلی

فدایی نژاد و کامل نیا (۱۳۹۵) در توجیه پدیده ضریب ارزش دفتری به ارزش بازار، با تفکیک بازده گذشته به بازده مشهود و نامشهود و با استفاده از تکنیک رگرسیون اثر هر بخش از بازده گذشته بر بازده آتی را بررسی نمودند. نتایج حداکی از آن است که بازدهی آتی سهم ارتباطی به عملکرد مالی شرکت ندارد، در حالی که بازده آتی به صورت بسیار قوی با بازده نامشهود گذشته ارتباط معکوس دارد. لذا دلیل واقعی پدیده ضریب B/M فراواکنشی سرمایه گذاران نسبت به اطلاعات نامشهود است.

افلاتونی و سهرابی (۱۳۹۴) به بررسی تاثیر بیقاعدگی تقویمی ایام مذهبی بر میزان احتمال استفاده از اطلاعات محرمانه در معاملات سهام پرداختند و دریافتند احتمال استفاده از اطلاعات محرمانه برای معاملات سهام، در ماه محرم نسبت به سایر ماه ها کاهش معناداری دارد؛ ولی

1 Value Premium

2 Titman

احتمال استفاده از اطلاعات محرمانه در ماه مبارک رمضان تفاوت معناداری با سایر ماه‌های سال ندارد.

فروغی و همکاران (۱۳۹۱) ضمن بررسی ارتباط بین اقلام تعهدی و بازده آینده سهام به بررسی تأثیر بازده نامشهود دوره‌های قبل بر رابطه بین اقلام تعهدی و بازده آینده سهام پرداختند. نتایج بررسی نشان داد که ارتباط معکوس و معناداری بین اقلام تعهدی و بازده آینده سهام (ناپهنجاری اقلام تعهدی) وجود دارد؛ همچنین بازده نامشهود دوره‌های قبل بر رابطه بین اقلام تعهدی و بازده آینده سهام تأثیر دارد؛ به عبارت دیگر با ورود این متغیر به الگوی پژوهش، ارتباط معکوس و معنادار اقلام تعهدی و بازده آینده سهام از بین می‌رود.

کرباسی یزدی و همکاران (۱۳۹۱) به بررسی وجود پدیده بازگشت به میانگین در بورس اوراق بهادار تهران با استفاده از آزمون ریشه واحد پرداختند. آنان با استفاده از آزمون دیکی فولر تعمیم یافته در بازه زمانی ۱۳۸۰-۱۳۸۹، وجود پدیده بازگشت به میانگین در شاخص کل قیمت سهام، شاخص قیمت و بازده نقدی سهام، و شاخص پنجاه شرکت برتر را مورد بررسی قرار دادند و دریافتند تغییرات متوالی در شاخص کل قیمت سهام و شاخص پنجاه شرکت برتر واجد خاصیت بازگشت به میانگین نیستند. ولی در مورد شاخص قیمت و بازده نقدی نتیجه حاصله بیانگر آن است که بجز در سطح خطای یک درصد که خاصیت بازگشت به میانگین تایید نشد، در سایر سطوح خطا، شاخص مذکور از فرآیند گام تصادفی پیروی نکرده و خاصیت بازگشت به میانگین تایید شد.

جلالی نائینی و همکاران (۱۳۹۰) در پژوهش خود به بررسی تأثیر مقررات محدودیت نوسان در بورس اوراق بهادار تهران از دو جنبه تأخیر در رسیدن به قیمت واقعی و تأثیر آن بر واکنش بیش از اندازه سرمایه‌گذاران پرداخته‌اند. آنان دریافتند بازده‌های روزانه خودهمبستگی مثبت دارند که نشان از روند کند انعکاس اخبار و اطلاعات جدید در بازار و به تبع آن عدم کارایی بازار دارد. شواهد نشان دادند این مقررات با کند کردن روند انعکاس اخبار روی قیمت سهام، خودهمبستگی مثبت بازده‌ها را تشدید، و لذا کارایی بازار را کاهش داده است. در ضمن، شواهد معنی داری مبنی بر تأثیر این مقررات بر سرمایه‌گذاران در واکنش بیش از اندازه مشاهده نشد.

تقفی و باغومیان (۱۳۸۸) با بررسی ارتباط ارزشی اطلاعات حسابداری طی سال های ۱۳۷۸ الی ۱۳۸۷، عنوان نمودند روند ارتباط ارزشی اطلاعات حسابداری طی زمان کاهشی بوده است. آنان دریافتند روند کاهشی ارتباط ارزشی اطلاعات حسابداری، تنها حاصل کاهش میزان مربوط بودن اطلاعات حسابداری نبوده است. بلکه معلول رشد فزاینده تصمیم های سوداگران سرمایه گذاران در حوزه قیمت گذاری است که در دوره تحقیق بدون توجه به تغییرات واقعی ارزش بنیادی، به دادوستد سهام پرداخته اند و در نتیجه باعث پررنگتر شدن جایگاه ارزش غیربنیادی در قیمت بازار شده اند.

تهرانی و همکاران (۱۳۸۷) وجود پدیده بازگشت به میانگین در بورس اوراق بهادار تهران را مورد بررسی قرار دادند. به این منظور با استفاده از آزمون نسبت واریانس، بازگشت به میانگین در سه شاخص قیمت، بازده نقدی و قیمت و شاخص پنجاه شرکت فعال تر در دوره های زمانی متفاوت مورد بررسی قرار گرفت. نتایج حاصل، وجود بازگشت به میانگین را در دو شاخص قیمت و شاخص بازده نقدی و قیمت در بیشتر دوره های زمانی تایید می نماید. اما شاخص پنجاه شرکت فعال تر در دوره زمانی ۸۷-۸۴ و در بیشتر فواصل زمانی از فرایند گشت تصادفی پیروی کرده است.

شیرکوند و همکاران (۱۳۸۷) با استفاده از سری زمانی قیمت و بکارگیری آزمون دیکی فولر افزوده به آزمون این موضوع پرداختند که آیا قیمت های سهام می توانند فرآیندهای گام تصادفی (ریشه واحد) باشند یا بازگشتی به میانگین. آنان دریافتند از میان ۶۷ شرکت نمونه تنها ده شرکت مانا بوده و بر اساس تعریف تحقیق از بازگشت به میانگین، واجد این ویژگی تشخیص داده شدند. شرکت هایی که فرضیه تحقیق در مورد آنها تأیید شده است عمدتاً شرکت های فعال در بخش واسطه گری های مالی و سرمایه گذاری بوده اند و به جز این شرکت ها کلیه شرکت های نمونه نامانا تشخیص داده شدند و در دوره تحت بررسی خاصیت بازگشت به میانگین در آنها دیده نشد.

فدایی نژاد و کامل نیا (۱۳۹۵) در پژوهش خود با عنوان " واکنش بازار به اطلاعات مشهود و نامشهود در بورس اوراق بهادار تهران " آنها با استفاده از داده های ۱۷۱ شرکت در بازه زمانی ۱۳۸۰ تا ۱۳۹۱ به بررسی واکنش سرمایه گذاران نسبت به اطلاعات نامشهود پرداختند. آنها با

تفکیک بازده گذشته به بازده مشهود و نامشهود و با استفاده از تکنیک رگرسیون اثر هر بخش از بازده گذشته را بر بازده آتی بررسی نمودند. نتایج حاکی از آن است که بازدهی آتی سهم ارتباطی به عملکرد مالی شرکت ندارد، در حالی که بازده آتی به صورت بسیار قوی با بازده نامشهود گذشته ارتباط معکوس دارد. لذا دلیل واقعی پدیده ضریب B/M فراواکنشی سرمایه گذاران نسبت به اطلاعات نامشهود است.

۳- مبانی نظری فرضیه‌ها

در بیشتر پژوهش‌ها، تداوم حرکت به انحراف در پردازش سرمایه‌گذاران نسبت داده شده است. دنیل، هیرشفلر و سوبرامانیان (۱۹۹۸) هونگ و استین (۱۹۹۹) و باربریز، شلیفر و ویشنی (۱۹۹۸) رایجترین مدلهای نظری در این زمینه هستند.

درحالیکه مدل‌ها بر انواع مختلفی از مفروضات مبتنی بر انحرافات روانشناختی و منطق محدود^۱ بنا شده‌اند، با این وجود، همه آنان، واکنش‌های انحرافی بازار را نسبت به علائم خصوصی، بعنوان شرط لازم برای توجیه اثر تداوم حرکت مجاز می‌دانند. دنیل، هیرشفلر و سوبرامانیان (۱۹۹۸) فرض می‌کنند سرمایه‌گذاران از فرااطمینان تحریف شده^۲، آسیب می‌بینند. یعنی سرمایه‌گذاران آگاه مایلند هنگام تفسیر علائم عمومی بعدی، اعتقادات شخصی گذشته خود را تقویت کنند. هونگ و استین (۱۹۹۹) نشان می‌دهد که ناظران اخبار^۳ نمی‌توانند اثر اطلاعات شخصی دیگران را از قیمت‌ها استخراج کنند، که منجر به ابهام تدریجی اطلاعات می‌شود. باربریز، شلیفر و ویشنی (۱۹۹۸) بحث می‌کنند که سرمایه‌گذاران دارای انحراف محافظه‌کاری، برای آگاهی بخشی علائم خصوصی، ارزش کمتری قائلند و واکنش ضعیفی نسبت به آنها نشان می‌دهند. اشاره تجربی این سه مدل این است که نسبت به اطلاعات شخصی کوتاه مدت، تداوم حرکت مشروط^۴ وجود دارد.

از سوی دیگر، پژوهش‌ها در مالی رفتاری و روانشناسی اجتماعی نشان می‌دهد که واکنش سرمایه‌گذاران، به محیط اطلاعاتی شرکت وابسته است. در چارچوب مدل دنیل، هیرشفلر و سوبرامانیان (۱۹۹۸)، این به این موضوع اشاره دارد که در شرکت‌هایی با اطلاعات عمومی بیشتر، یعنی شرکت‌هایی با تامین مالی بیشتر در بازار یا با پوشش بالای تحلیلگران، تداوم حرکت مشروط

1 Bounded Rationality

2 Biased Self-Attribution

3 News Watchers

4 Conditional Momentum

قویتری باید مشاهده کرد. بالعکس، پژوهش های مالی رفتاری بیان می دارند که انحرافات سرمایه گذاران در کل در بین شرکت های با اطلاعات کم یا با عدم اطمینان اطلاعاتی، باید بیشتر باشد. هیرشفلر (۲۰۰۱) بدون تعیین یک انحراف رفتاری خاص، بیان می دارد که مردم از انحراف در ارزش گذاری اوراق بهاداری بیشتر آسیب می بینند که در مورد آنها اطلاعات کمی وجود دارد. ژنگ^۱ (۲۰۰۶) شواهد تجربی بدست آورد که نشان می دهد انحرافات سرمایه گذاران در مورد شرکت هایی با عدم اطمینان اطلاعاتی بالا بیشتر است. یعنی شرکت هایی با نوسانات بالا در مبانی و/ یا دارای اطلاعات ضعیف. در چارچوب هونگ و استین (۱۹۹۹) و باربریز، شلیفر و ویشنی (۱۹۹۸). این خط پژوهشی اشاره می کند که تداوم حرکت مشروط باید برای شرکت های با محیط اطلاعاتی ضعیف، قوی تر باشد.

اما در بسیاری از مقالات، نویسندگان از جزء بازده نامشهود ناشی از تجزیه بازده توسط دنیل و تیمن (۲۰۰۶) بعنوان معیار تجربی اصلی برای بازده ناشی از اطلاعات شخصی استفاده می کنند. آنان فرض می کنند بازده نامشهود واکنش قیمت نسبت به اطلاعات خصوصی را نشان می دهد. هرچند این فرض مورد تردید قرار گرفته است، زیرا بازده نامشهود صرفاً بازده کل را از معیارهای حسابداری رشد جدا می کند^۲ و بنابراین به ناچار حاوی اطلاعات عمومی و خصوصی است. با این وجود، دنیل و تیمن (۲۰۰۶) عنوان می کنند که بازده نامشهود، ناشی از اطلاعات مبهم در مورد فرصت های رشد است که حداقل تا حدی بطور شخصی توسط سرمایه گذاران جمع آوری شده اند. علاوه بر این، اپستین و اشنايدر^۳ (۲۰۰۸) پیشنهاد نمودند که مدل دنیل، هیرشفلر و سوبرامانیان (۱۹۹۸) را می توان تعمیم داد بطوریکه اطلاعات نامشهود که مانند اطلاعاتی مبهم با دقتی در سطح یک دامنه تا یک نقطه هستند را شامل شود. نهایتاً مدل های تئوریک کیم و ورسچیا^۴ (۱۹۹۴، ۱۹۹۷) فرض می کنند فعالان بازار، توانایی های مختلفی در پردازش اطلاعات دارند که به آنان اجازه می دهد تا علائم عمومی را بطور شخصی تفسیر کنند. بنا بر آنچه در بالا عنوان شد می توان انتظار داشت سرمایه گذاران نسبت به اطلاعات نامشهود واکنش نشان دهند. لذا فرضیه اول پژوهش به شرح ذیل تدوین گردید:

فرضیه اول: بازده نامشهود رابطه معناداری با بازده آتی سهام دارد.

1 Zhang

2 Orthogonalize

3 Epstein and Schneider

4 Kim and Verrecchia

اسکارشتین و استین^۱ (۱۹۹۰) نشان دادند که مدیران سرمایه‌گذاری که دارای نگرانی‌هایی در مورد شهرت خود هستند در برخی موارد می‌توانند قضاوت‌های خود را کنار بگذارند و رفتار دیگران را تقلید کنند که این خود رفتار توده‌وار را نشان می‌دهد. این پژوهشگران عنوان می‌کنند زمانیکه عدم اطمینان در مورد نتایج سرمایه‌گذاری زیاده‌تر است، تاثیر تقسیم مسوولیت^۲، تمایل مدیران سرمایه‌گذاری را برای رفتار توده‌وار افزایش می‌دهد. طبق مدل آنان، رسیدن اطلاعات نامشهود می‌تواند مدیران سرمایه‌گذاری را وادار کند تا بطور توده‌وار مبادله کنند، که باعث افزایش واکنش بیش از اندازه بازار نسبت به اطلاعات نامشهود می‌شود. در واقع از آنجاییکه اطلاعات نامشهود با عدم اطمینان بیشتری همراه است، در چنین وضعیتی، مدیران می‌توانند انگیزه‌های قوی تری برای رفتار توده‌وار در بازار داشته باشند. بنابراین، طبق مدل رفتار توده‌وار مبتنی بر شهرت^۳، سرمایه‌گذاران نهادی ممکن است دارای رفتار توده‌وار در راستای اطلاعات نامشهود باشند که منجر به واکنش بیش از اندازه می‌شود. چانگ (۲۰۰۷) نیز دریافت تمایل سرمایه‌گذاران نهادی برای توده‌وار عمل کردن در موقعیت‌هایی که اطلاعات نامشهود وجود دارد، موجب بازگشت بازده نامشهود می‌شود. بعلاوه، تاثیر ارزش دفتری به بازار بر سرمایه‌گذاران نهادی که سهام را بطور گروهی مبادله می‌کنند، متمرکز است.

این نتایج مطابق با این نظر است که تمایل سرمایه‌گذاران نهادی به رفتار گروهی در موقعیت‌های وجود اطلاعات نامشهود، واکنش بیش از حد قیمت را افزایش می‌دهد که این خود موجب اضافه ارزشگذاری سهام می‌شود.

از دیدگاه تجربی، شواهدی وجود دارد که نشان می‌دهند نهادها برخلاف انحرافات قیمتی از ارزش‌های ذاتی، اقدام به معامله می‌کنند. کوهن، کمپرس و والتیناهو^۴ (۲۰۰۲) دریافتند که سرمایه‌گذاران نهادی از واکنش کمتر از واقع سرمایه‌گذاران انفرادی نسبت به اخبار در مورد جریان‌ات نقدی بهره می‌برند. یعنی سهام با اخبار خوب در مورد جریان‌ات نقدی را خریده و سهام با اخبار بد در مورد جریان‌ات نقدی را می‌فروشند. بنا بر آنچه بیان شد، فرضیه دوم پژوهش به شرح ذیل تدوین می‌گردد:

فرضیه دوم: میزان مالکیت سرمایه‌گذاران نهادی بر رابطه بین بازده آتی و بازده

نامشهود تاثیر دارد.

1 Scharfstein and Stein

2 Sharing-the-Blame Effect

3 Reputational Herding Model

4 Cohen, Gompers and Vuolteenaho

۴- روش پژوهش

این پژوهش از نظر جمع‌آوری داده‌ها، کتابخانه‌ای و از نظر روش، همبستگی و پس‌رویدادی است و از نظر هدف، کاربردی می‌باشد. مدل آماری که در این پژوهش به کار گرفته شده مدل رگرسیون است که برای مشخص کردن عوامل در کنار دیگر عوامل به کار برده می‌شود. داده‌های جمع‌آوری شده، توسط نرم افزار Excel محاسبه و با نرم افزارهای SPSS (استفاده از رگرسیون خطی) مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است.

۵- قلمرو پژوهش

قلمرو مکانی پژوهش، شرکت‌های تولیدی عضو بورس اوراق بهادار تهران و قلمرو زمانی پژوهش سال‌های ۱۳۸۹ الی ۱۳۹۲ است. محدود شدن قلمرو زمانی پژوهش به سال‌های پس از ۱۳۸۹ بواسطه نیاز به داده‌های سه ماهه برای برازش مدل تعیین بازده نامشهود و پراکندگی و نقص زیاد در این داده‌ها در قبل از این سال می‌باشد و محدود شدن آن به پایان سال ۱۳۹۲ به علت نیاز به بازده ۱۲ ماه بعد از این تاریخ بود.

۵-۱- جامعه و نمونه آماری

جامعه آماری پژوهش، کلیه شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پس از اعمال شرایط ذیل می‌باشند:

۱. شرکت دارای فعالیت تولیدی باشد.

۲. با توجه به دوره زمانی در دسترس اطلاعات (۱۳۸۹-۱۳۹۲)، شرکت قبل از سال ۱۳۸۹

در ۳. بورس اوراق بهادار تهران پذیرفته شده باشد و نام آن تا پایان سال ۱۳۹۳ از فهرست شرکت‌های یاد شده حذف نشده باشد.

۴. به منظور افزایش همسان سازی شرایط انتخابی شرکت‌ها از حیث عوامل تاثیر گذار بر قیمت ها، پایان سال مالی شرکت‌ها ۳۱ خرداد، ۳۱ شهریور، ۳۰ آذر یا ۲۹ اسفند ماه باشد. برای آزمون فرضیه دوم تنها از گزارش‌های ۶ ماهه و ۱۲ ماهه حسابرسی شده استفاده گردیده است. لذا شرکت‌هایی که پایان سال مالی آنها منتهی به این دو تاریخ نبوده است از جامعه آماری حذف شدند.

۵. داده‌های مورد نیاز برای محاسبه متغیرهای پژوهش در دسترس باشد.

۶. شرکتها نباید توقف فعالیت و توقف معاملاتی داشته و دوره مالی خود را طی سالهای ۱۳۸۹ تا ۱۳۹۲ به تاریخی غیر از موارد مذکور در بند سه تغییر داده باشند.
۷. جمع حقوق صاحبان سهام شرکت منفی نباشد.
- نهایتاً ۱۹۷ شرکت بعنوان جامعه آماری در دسترس باقی ماندند. در این پژوهش از روش نمونه‌گیری استفاده نشده است.

۵-۲- تعریف متغیرها

۵-۲-۱- متغیر وابسته: بازده ماهانه سهام

عایدی سهامدار از محل سود تقسیمی و تغییر قیمت آن که از مقاله دنیل و تیتمن (۲۰۰۶) به شرح رابطه ذیل استخراج شده است:

$$r_{i(t-1,t)} = \log \left(\frac{P_t \cdot f_{i,t} + D_t}{P_{t-1}} \right) \quad (۱)$$

که در آن $r_i(t-1, t)$ بازده ماهانه سهام شرکت i در ماه t است. P_t قیمت سهام شرکت i در پایان ماه t ؛ P_{t-1} قیمت سهام شرکت در ابتدای ماه t ؛ D_t سود نقدی هر سهم طی ماه t و f_t عامل تعدیل قیمت بابت توزیع سود نقدی و حق تقدم است.

۵-۲-۲- متغیر مستقل: بازده نامشهود

بازده نامشهود با استفاده از روش دنیل و تیتمن (۲۰۰۶) و به شرح ذیل محاسبه می‌گردد: ابتدا برای هر دوره سه ماهه، مدل ذیل برای کلیه شرکت‌های عضو نمونه برازش می‌شود (برای درک نحوه استخراج رابطه ذیل مراجعه شود به مقاله دنیل و تیتمن (۲۰۰۶)).

$$r_i(t-1, t) = \alpha_0 + \alpha_1 bm_{i,t-1} + \alpha_2 r_i^B(t-1, t) + \varepsilon \quad (۳)$$

در رابطه فوق bm لگاریتم نسبت ارزش دفتری به بازار است و متغیر بازده دوره مبتنی بر ارزش دفتری، $r_i^B(t-1, t)$ به شرح رابطه ذیل محاسبه می‌گردد:

$$r_i^B(t-1, t) = \log \left(\frac{B_{i,t}}{B_{i,t-1}} \right) + \sum_{t=1}^{12} \left(\log(f_{i,t}) + \log \left(1 + \frac{D_{i,t}}{P_{i,t} f_{i,t}} \right) \right) \quad (۴)$$

در رابطه فوق، B نشان‌دهنده ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام شرکت می‌باشد. پس از برازش مدل رگرسیونی، ضرایب مدل (۳) با مقادیر مربوط به هر شرکت در رابطه (۵) قرار می‌گیرند. مقدار ε نشان‌دهنده مقدار بازده نامشهود هر شرکت در دوره $(t-1, t)$ است.

$$r_i(t-1, t) = \alpha_0^{\wedge} + \alpha_1^{\wedge} bm_{i,t-1} + \alpha_2^{\wedge} r_i^B(t-1, t) + \varepsilon \quad (5)$$

در روابط فوق:

$r_i(t-1, t)$: بازده سالانه منتهی به تاریخ t

$bm_{i,t-1}$: لگاریتم طبیعی نسبت ارزش دفتری به ارزش بازار سهام شرکت i در پایان دوره قبل

f : عامل تعدیل قیمت

مقدار عامل تعدیل قیمت برای دوره دارای توزیع سود نقدی معادل یک و برای دوره دارای توزیع سود سهمی، معادل نسبت تعداد سهام بعد از توزیع و قبل از توزیع و برای توزیع حق تقدم به شرح رابطه ذیل می باشد.

$$f = \frac{1}{\frac{(\text{Old shares} * \text{Cum price}) + (\text{New shares} * \text{offer price})}{(\text{old shares} + \text{new shares}) * \text{Cum price}}} \quad (6)$$

بطوریکه:

Old shares: تعداد سهام قبل از توزیع حق تقدم

New shares: تعداد سهام اضافه شده

Cum price: قیمت سهام قبل از توزیع حق تقدم

Offer price: قیمت سهام پس از توزیع حق تقدم

مقدار عامل تعدیل قیمت به شرح راهنمای منتشره از سوی سایت مرکز پژوهش های قیمت سهام امریکا (CRSP) تعیین شده است.

۵-۲-۳- متغیر تعدیل کننده: میزان مالکیت سرمایه گذاران نهادی

درصد تملک سرمایه گذاران نهادی نسبت به کل سهام شرکت. مطابق تعریف ارائه شده و مورد استفاده در پژوهش های روبین (۲۰۰۷) و کوئتو (۲۰۰۹) برای محاسبه میزان مالکیت نهادی مجموع سهام در اختیار بانک ها، بیمه ها و هلدینگ ها، شرکت های سرمایه گذاری، صندوق های سرمایه گذاری، صندوق های بازنشستگی، شرکت های تأمین سرمایه و سازمان های سرمایه گذاری، نهادهای دولتی و شرکت های دولتی بر کل سهام منتشره شرکت، تقسیم شده و درصد یا میزان مالکیت نهادی بدست آمده است (برگرفته از رحمانی و همکاران، ۱۳۸۹). در این پژوهش سرمایه گذاران نهادی شامل بانکها، شرکت های بیمه، شرکت های سرمایه گذاری، صندوق های سرمایه گذاری، صندوق های بازنشستگی، هلدینگ ها و بنیادها می باشند.

پس از جمع‌آوری داده‌های مربوط به میزان مالکیت سرمایه‌گذاران نهادی، مقادیر جمع‌آوری شده در ده گروه، از دهک اول تا دهم طبقه‌بندی گردیدند. این کار بمنظور حذف اثر کیفیت داده‌ها بر نتایج پژوهش انجام گرفت زیرا در مقادیر منعکس شده در گزارش‌های شش ماهه و سالانه شرکت‌ها، بعضاً داده‌ها دارای تفاوت‌هایی ناشی از روند کردن و یا اشتباهات تایپی مشاهده گردید. همچنین درمورد طبقه‌بندی برخی نهادها در زمره سرمایه‌گذاران نهادی به علت عدم وجود اطلاعات کافی درمورد آنها، تردید وجود داشت.

۵-۲-۴- متغیرهای کنترلی

نسبت ارزش دفتری به ارزش بازار دوره قبل: لگاریتم طبیعی نسبت ارزش دفتری به ارزش بازار سهام شرکت در پایان دوره قبل
بازده مبتنی بر ارزش دفتری به بازار: بازده مبتنی بر ارزش دفتری $r_i^B(t-1, t)$ دوره به شرح رابطه فوق محاسبه گردید.

۵-۳- مدل پژوهش

در این پژوهش برای آزمون فرضیه اول، به بررسی وجود رابطه بین بازده نامشهود و بازده آتی سهام پرداخته شده است. بدین منظور به پیروی از مقاله دنیل و تیتمن (۲۰۰۶) با استفاده از رابطه (۱) که مبتنی بر روش فاما و مک‌بث^۱ (۱۹۷۳) و متغیرهای مورد استفاده در مدل تعیین بازده نامشهود (رابطه شماره ۳) می باشد، اقدام شده است. در این مدل، متغیر وابسته، بازده ماهانه آتی خواهد بود. وجود ضریب معنادار برای متغیر بازده نامشهوداگر بطور میانگین، رابطه معنادار مثبتی بین بازده نامشهود و بازده آتی وجود داشته باشد، بدین معناست که سرمایه‌گذاران در قبال اطلاعات نامشهود، واکنش کمتر از واقع نشان داده اند و با گذشت زمان، قیمت افزایش یافته و سهام به قیمت ذاتی خود نزدیک می‌شود. از سوی دیگر اگر رابطه معنادار منفی بین بازده نامشهود و بازده آتی وجود داشته باشد، بدین معناست که سرمایه‌گذاران در قبال اطلاعات نامشهود، واکنش بیشتر از واقع نشان داده اند و با گذشت زمان قیمت کاهش یافته و سهام به قیمت ذاتی خود نزدیک می‌گردد. لذا در این آزمون با ۱۲ مرتبه برازش مدل رگرسیونی ذیل، رابطه بازده نامشهود در انتهای هر دوره سه ماهه، با بازده‌های ماهانه ۱۲ ماه بعد از تاریخ درج صورتهای مالی میان دوره ای مربوطه، با یک ماه تاخیر، مورد آزمون قرار می گیرد. پس از انجام کلیه برازش‌ها در دوره پژوهش، براساس میانگین ضرایب معنادار مدل های معنادار و مقدار

1 Fama and Macbeth

میانگین ضریب تعیین مدل‌ها، به قضاوت درمورد قبول یا رد فرضیه پژوهش پرداخته می‌شود. بنابراین مدل برازش شده برای آزمون فرضیه اول در هر یک از ۱۲ ماه بعد از تاریخ درج، به شرح ذیل خواهد بود:

$$r_{i,t} = \alpha_0 + \alpha_1 bm_{i,t-1} + \alpha_2 r_i^B(t-1, t) + \alpha_3 r_i^{IB}(t-1, t) + \varepsilon \quad (7)$$

که در آن:

$r_{i,t}$: بازده ماهانه شرکت i در ۱۲ ماه آتی

$r_i^B(t-1, t)$: بازده ارزش دفتری سهام شرکت i در دوره t

$r_i^{IB}(t-1, t)$: بازده نامشهود مبتنی بر ارزش دفتری سهام شرکت i در دوره t

برای آزمون فرضیه دوم، مشابه با آزمون فرضیه اول اقدام می‌شود با این تفاوت که متغیر وجود سهامداران نهادی و متغیر نشان‌دهنده اثر متقابل وجود سهامداران نهادی و بازده نامشهود به مدل مورد استفاده برای آزمون اولیه اضافه می‌شود. و همچنین آزمون فرضیه با استفاده از داده‌های مستخرج از صورت‌های مالی شش ماهه و سالانه حسابرسی شده انجام شد زیرا اطلاعات مربوط به ترکیب سهامداران تنها در این صورت‌های مالی گزارش می‌گردد. ضریب α_5 ، نقش سرمایه‌گذاران نهادی را در این رابطه نشان می‌دهد. بدین ترتیب مدل مورد استفاده به شرح ذیل خواهد بود:

$$r_{i,t} = \alpha_0 + \alpha_1 bm_{i,t-1} + \alpha_2 r_i^B(t-1, t) + \alpha_3 r_i^{IB}(t-1, t) + \alpha_4 Insin_{i,t} + \alpha_5 r_i^{IB}(t-1, t) * Insin_{i,t} + \varepsilon \quad (8)$$

که در آن:

$Insin_{i,t}$: میزان مالکیت سرمایه‌گذاران نهادی شرکت i در سال t

$r_i^{IB}(t-1, t) * Insin_{i,t}$: اثر متقابل میزان مالکیت سرمایه‌گذاران نهادی و بازده نامشهود

شرکت i در سال t

۶- یافته‌های پژوهش

نتایج آماره‌های توصیفی متغیرهای پژوهش قبل از حذف مشاهدات پرت، به شرح جدول یک ارائه شده است:

جدول ۱: آماره های توصیفی متغیرهای پژوهش

متغیرها	سال	تعداد	میانگین	میان	حداقل	حداکثر	انحراف معیار
بازده ارزش دفتری	۸۹	۷۱۴	۰/۱۴۱	۰/۱۷	-۲/۴۴	۱/۹۸	۰/۳۷۴
	۹۰	۷۲۷	۰/۱۰۰	۰/۱۵	-۴/۵	۴/۳۷	۰/۴۷۲
	۹۱	۷۳۸	۰/۱۵۲	۰/۲	-۲/۴۸	۵/۹	۰/۳۰۵
	۹۲	۷۵۱	۰/۲۴۳	۰/۲۹	-۸/۳۷	۳/۸۴	۰/۶۸۳
	کل	۲۹۳۰	۰/۱۶	۰/۱۹	-۸/۳۷	۵/۹	۰/۵۳۷
لگاریتم نسبت ارزش دفتری به ارزش بازار	۸۹	۷۱۴	-۰/۵۳۶	-۰/۵	-۴/۶۴	۳/۲۳	۰/۶۴۶
	۹۰	۷۲۷	-۰/۵۵۲	-۰/۵۲	-۴/۴۷	۱/۲۹	۰/۷۰۵
	۹۱	۷۳۸	-۰/۴۸۷	-۰/۴۷۵	-۲/۹۸	۱/۷۸	۰/۶۸۱
	۹۲	۷۵۱	-۱/۰۵۱	-۱/۰۸	-۹/۲۴	۲/۴۳	۰/۷۴۶
	کل	۲۹۳۰	-۰/۶۶	-۰/۶۴	-۹/۲۴	۳/۲۳	۰/۷۲۳
لگاریتم نسبت ارزش دفتری به ارزش بازار دوره قبل	۸۹	۷۱۴	-۰/۳۳۴	-۰/۳۲	-۳/۵۶	۳/۲	۰/۷۰۱
	۹۰	۷۲۷	-۰/۵۳۱	-۰/۴۸	-۴/۶۴	۳/۲۳	۰/۶۵۱
	۹۱	۷۳۸	-۰/۵۶۶	-۰/۵۳	-۴/۴۷	۱/۲۹	۰/۷۰۹
	۹۲	۷۵۱	-۰/۴۹۳	-۰/۴۸	-۲/۹۸	۱/۷۸	۰/۶۷۷
	کل	۲۹۳۰	-۰/۴۸۲	-۰/۴۵	-۴/۶۴	۳/۲۳	۰/۶۹۰
بازده نامشهود	۸۹	۷۱۴	-۰/۰۰۰۵	-۰/۰۲۲	-۱/۱۳	۱/۶۸	۰/۳۶۰
	۹۰	۷۲۷	-۰/۰۰۰۱	-۰/۰۱۸	-۱/۶۳	۲	۰/۴۲
	۹۱	۷۳۸	-۰/۰۰۰۹	-۰/۰۲۲	-۱/۴۴	۱/۴۱	۰/۴۰۳
	۹۲	۷۵۱	۰/۰۸۱	۰/۰۷۶۴	-۲/۰۶	۳/۵۳	۰/۵۳۸
	کل	۲۹۳۰	۰/۰۱۸۳	۰/۰۰۰۵	-۲/۰۶	۳/۵۳	۰/۴۳۸
میزان مالکیت سرمایه‌گذاران نهادی	۸۹	۱۸۳	۵/۹۹۴	۱۸۳	۰/۰	۱۰	۳/۱۱۴
	۹۰	۱۷۹	۶/۰۱۷	۷	۰/۰	۱۰	۳/۱۶
	۹۱	۱۸۳	۶/۱۳	۷	۰/۰	۱۰	۳/۰۹۳
	۹۲	۱۷۷	۵/۸۵	۷	۰/۰	۱۰	۳/۱۵۹
	کل	۱۴۲۹	۶/۰۲۵	۷	۰/۰	۱۰	۳/۱۲

منبع: یافته های پژوهش

آنچنانکه در جدول فوق مشاهده می گردد، میانگین لگاریتم نسبت ارزش دفتری به بازار شرکت‌ها منفی است. این به دلیل کوچکتر از یک بودن نسبت ارزش دفتری به بازار است. در واقع برای اکثر شرکتهای جامعه آماری، ارزش بازار سهام شرکت بیشتر از ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام است که نشان می دهد بطور میانگین شرکت‌های جامعه آماری در شرایط رشد بسر می برند. میانگین میزان مالکیت سرمایه‌گذاران نهادی نشان می دهد بطور متوسط ۵۰ تا ۶۰ درصد سهام شرکت‌های بورسی در اختیار سرمایه‌گذاران نهادی است. مقادیر میانگین بازده نامشهود در اکثر دوره ها رقمی نزدیک به صفر می باشد. این موضوع دور از انتظار نمی باشد زیرا

مقادیر بازده نامشهود در واقع باقیمانده های مدل رگرسیون هستند. این موضوع در پژوهش چانگ (۲۰۰۷) و دنیل و تیتمن (۲۰۰۶) نیز قابل مشاهده است. ماتریس همبستگی متغیرهای پژوهش به شرح جدول دو می باشد.

جدول ۲: ماتریس همبستگی متغیرهای پژوهش

لگاریتم ارزش بازار سهام	بازده نامشهود	لگاریتم نسبت ارزش دفتری به بازار	بازده مبتنی بر نسبت ارزش دفتری به بازار	بازده سالانه	
۰/۲۰۸ (۰/۰۰۰)	۰/۷۴۸ (۰/۰۰۰)	-۰/۳۶۸ (۰/۰۰۰)	۰/۳۵۵ (۰/۰۰۰)	۱	بازده سالانه
۰/۰۸۹ (۰/۰۰۰)	-۰/۰۱۷ (۰/۳۶۷)	۰/۱۸۸ (۰/۰۰۰)	۱	۰/۳۵۵ (۰/۰۰۰)	بازده مبتنی بر نسبت ارزش دفتری به بازار
۰/۳۴۵ (۰/۰۰۰)	-۰/۶۱۰ (۰/۰۰۰)	۱	۰/۱۸۸ (۰/۰۰۰)	-۰/۳۶۸ (۰/۰۰۰)	لگاریتم نسبت ارزش دفتری به بازار
۰/۱۷۳ (۰/۰۰۰)	۱	-۰/۶۱۰ (۰/۰۰۰)	-۰/۰۱۷ (۰/۳۶۷)	۰/۷۴۸ (۰/۰۰۰)	بازده نامشهود
۱	۰/۱۷۳ (۰/۰۰۰)	۰/۳۴۵ (۰/۰۰۰)	۰/۰۸۹ (۰/۰۰۰)	۰/۲۰۸ (۰/۰۰۰)	لگاریتم ارزش بازار سهام

مقدار آماره p-value ضرایب در ذیل آنها در پرانتز ارائه شده است

منبع: یافته های پژوهش

آنچنانکه در جدول شماره دو مشاهده می شود، با توجه به ضریب همبستگی بین بازده نامشهود و نسبت ارزش دفتری به بازار (۰/۶۱-) مشخص می گردد شرکت های با بازده نامشهود بالا شرکت های رشدی (با نسبت ارزش دفتری به بازار کمتر) هستند و با توجه به رابطه مثبت بازده نامشهود با معیار اندازه (۰/۱۷۳) شرکتهایی با اندازه نسبتاً بزرگتر هستند. رابطه معکوس نسبت ارزش دفتری به بازار با بازده سالانه سهام (۰/۳۶۸-) هم نشاندهنده بازده بیشتر برای شرکت های با رشد بیشتر است که در واقع توسط بازار بیشتر قیمت گذاری شده اند.

۷- آزمون فرضیه ها

۷-۱- آزمون فرضیه اول

برای آزمون فرضیه اول پژوهش، بنا بر آنچه در بالا بیان شد، در پایان هر دوره سه ماهه رابطه بین بازده نامشهود دوره با بازده ماهانه ۱۲ ماه آتی مورد بررسی قرار گرفت. میانگین ضرایب مدل های معنادار رگرسیون با ضرایب معنادار برای متغیر بازده نامشهود و میانگین ضریب تعیین برای قضاوت درمورد رد یا عدم رد فرضیه پژوهش مورد استفاده قرار گرفت. نتایج آزمون های آماری به شرح جدول شماره سه می باشد.

جدول ۳: میانگین ضرایب مدل های معنادار رگرسیون برای آزمون فرضیه اول

سال مالی منتهی به ...	آماره اف	عدد ثابت	بازده نامشهود	لگاریتم نسبت ارزش دفتری به ارزش بازار دوره قبل	بازده مبتنی بر ارزش دفتری	ضریب تعیین
۱۳۸۹/۰۳/۳۱	۴/۱۹	۰/۰۰۱ (۰/۲)	۰/۰۳۴ (۲/۶۸)	۰/۰۰۷۵ (۰/۶۶)	۰/۰۰۱ (۰/۰۹۸)	٪۶/۳
۱۳۸۹/۰۶/۳۱	۵/۴۶	۰/۰۰۵ (۰/۶۱)	۰/۰۳۴ (۳/۲۷)	۰/۰۰۹ (۰/۹۹۶)	-۰/۰۱۷ (-۰/۹۸)	٪۸/۵
۱۳۸۹/۰۹/۳۰	۴/۳	۰/۰۱۶ (۱/۶۲)	-۰/۰۱۶ (-۰/۸۸)	-۰/۰۲۸ (-۱/۹)	۰/۰۱۴ (۰/۵۷)	٪۷/۶۵
۱۳۸۹/۱۲/۳۰						
۱۳۹۰/۰۳/۳۱	۳/۰۵	-۰/۰۲۱ (-۲/۵۱)	۰/۰۴۷ (۲/۶۲)	-۰/۰۰۱ (-۰/۱)	-۰/۰۲۶ (-۱/۲۳)	٪۵/۳
۱۳۹۰/۰۶/۳۱						
۱۳۹۰/۰۹/۳۰	۳/۲۸	۰/۰۱۶ (۱/۶۸)	۰/۰۳۴ (۲/۶۴)	۰/۰۲۶ (۱/۹۹)	۰/۰۰۴ (۰/۲۶)	٪۶/۰۵
۱۳۹۰/۱۲/۳۰	۳/۸	۰/۱۸۵ (۸/۲۴)	-۰/۰۶۶ (-۲/۵۶)	۰/۰۱۸ (۰/۶۳)	-۰/۰۵۴ (-۱/۴۸)	٪۵/۸
۱۳۹۱/۰۳/۳۱						
۱۳۹۱/۰۶/۳۱	۴/۵	۰/۰۴۳ (۱/۸۴)	-۰/۰۰۴۵ (-۰/۰۹۷)	-۰/۰۱۲ (-۰/۴۳)	-۰/۰۰۴ (۰/۱۳)	٪۶/۹۸
۱۳۹۱/۰۹/۳۱	۴/۹۹	۰/۱۱۵ (۵/۱۵۶)	-۰/۰۹۴ (-۲/۴۴)	-۰/۰۶۲ (-۲/۰۸)	-۰/۰۹۱ (-۲/۲۷)	٪۸
۱۳۹۱/۱۲/۳۰	۴/۰۷	۰/۱۳ (۷/۵۷)	-۰/۰۶۶ (-۲/۴۸)	۰/۰۲۷ (۱/۲۲)	-۰/۰۰۲ (-۰/۰۹۹)	٪۶/۱
۱۳۹۲/۰۳/۳۱	۶/۰۱	۰/۱ (۵/۹۱)	-۰/۰۵۵ (۳/۳)	-۰/۰۰۴ (۰/۰۱۴)	-۰/۰۰۴ (-۲/۲۴)	٪۹/۰۵
۱۳۹۲/۰۶/۳۱	۳/۲	۰/۰۵۹ (۳/۱۶)	-۰/۰۳۸ (-۲/۷۶)	-۰/۰۳۳ (-۱/۰۱۵)	-۰/۰۴۲ (-۱/۷۲)	٪۵/۸
۱۳۹۲/۰۹/۳۰		۰/۰۱۴ (-۰/۰۵۸)	-۰/۰۱۲ (-۰/۰۵۲)	-۰/۰۰۶ (-۰/۰۱۹)	-۰/۰۱۷ (-۰/۵)	٪۵/۱
۱۳۹۲/۱۲/۳۰						
میانگین کل		۰/۰۴۶ (۲/۴۲)	-۰/۰۰۹ (۰/۱۵)	-۰/۰۰۰۴ (۰/۱۹)	-۰/۰۱۳ (-۰/۴۴)	٪۶/۷۷

مقدار آماره t ضرایب در ذیل آنها در پراتنز ارائه شده است

منبع: یافته های پژوهش

آنچنانکه در جدول شماره سه مشاهده می‌شود در اکثر دوره‌ها رابطه‌ای معنادار بین بازده نامشهود و بازده ماهانه آتی مشاهده می‌شود و بنابراین فرضیه اول رد نمی‌گردد و ادعای پژوهش مبنی بر وجود رابطه معنادار بین بازده نامشهود و بازده‌های ماهانه آتی تایید می‌گردد که نشان دهنده وجود واکنش بیش از واقع یا کمتر از واقع سرمایه‌گذاران نسبت به اطلاعات نامشهود است. آنچنانکه در جدول سه مشاهده می‌گردد، بطور متوسط، با توجه به ضریب منفی متغیر بازده نامشهود، رابطه بین بازده نامشهود و بازده‌های آتی معکوس است. در واقع بازار در پایان دوره‌های مورد آزمون واکنش بیش از واقع نسبت به اطلاعات نامشهود از خود نشان داده است. اما با دریافت اطلاعات جدید انتظارات خود را اصلاح نموده است تا قیمت سهام به قیمت ذاتی خود نزدیکتر گردد. این اصلاح بنا به مدل‌های مالی رفتاری احتمالاً ناشی از وقوع انحراف فرااطمینان نسبت به گزارش‌های منتشر شده است. آنچه در این بین مهم است، اصلاح ناقص قیمت و تکرار اصلاحات در چند دوره زمانی است که این خود طبق ادبیات موجود نشان از دریافت اطلاعات غیرقطعی بعدی است. این اصلاح ناقص می‌تواند ناشی از تاثیر عوامل دیگر مانند ویژگی‌های شرکت باشد. فروغی و نادم (۱۳۸۹) دریافتند ویژگی‌های شرکت شامل وجود سرمایه‌گذاران نهادی و میزان اتکاء شرکت به منابع خارجی تامین مالی بر رابطه سود و بازده سهام موثر است. چانگ (۲۰۰۷) نیز دریافت اندازه شرکت بر واکنش بازار نسبت به اطلاعات نامشهود در دوره کوتاه مدت موثر است.

آزمون‌های زیربنایی رگرسیون شامل فرض ناهمبسته بودن باقیمانده‌ها با استفاده از آماره دوربین واتسن ($2/5 < DW < 1/5$) و فرض ثابت بودن واریانس با استفاده از نمودار پراکنش مانده‌های استاندارد شده در مقابل متغیرهای پیشگو و نیز نمودار پراکنش مانده‌های استاندارد شده در مقابل مقادیر پیش‌بینی شده (نمودار پراکنش فاقد شکل مشخص) و عدم وجود همخطی بین متغیرهای پیشگو با استفاده از آماره VIF ($1/5 < VIF < 1$) برقرار بود. فرض نرمال بودن باقیمانده‌ها با استفاده از آزمون ناپارامتریک نیکویی برازش کولموگروف-اسمیرنف در اکثر موارد تایید گردید که با توجه به تعداد زیاد مشاهدات که در غالب موارد بیش از ۱۶۰ مشاهده بودند انحراف از این فرض در برخی موارد خللی در اعتبار نتایج حاصله ایجاد نمی‌کند.

معنادار نبودن آماره t و کوچک بودن متوسط ضریب بازده نامشهود ناشی از وجود ضرایب با علامت مثبت و منفی است که طی عملیات میانگین‌گیری خنثی شده‌اند.

۷-۲- آزمون فرضیه دوم

برای آزمون فرضیه دوم پژوهش، میانگین ضرایب مدل‌های معنادار رگرسیون با ضرایب معنادار برای متغیر اثر متقابل میزان مالکیت سرمایه‌گذاران نهادی و بازده نامشهود و میانگین

ضریب تعیین برای قضاوت درمورد رد یا عدم رد فرضیه دوم پژوهش مورد استفاده قرار گرفت. نتایج آزمون‌های آماری به شرح جدول شماره چهار می باشد. آنچنانکه مشاهده می‌شود، ضریب متغیر اثر متقابل بطور متوسط منفی است که نشان می دهد شرکت‌های دارای سرمایه‌گذاران نهادی بیشتر واژگونی بازده بیشتری را تجربه می‌کنند. زیرا شرکت‌های دارای سرمایه‌گذاران نهادی بیشتر با سطح انحرافات رفتاری بیشتری همراه هستند و بنابراین توان پیش بینی بازده آنها کمتر خواهد بود.

جدول ۴: میانگین ضرایب مدل های معنادار رگرسیون برای آزمون فرضیه دوم

سال مالی منتهی به ...	آماره اف	عدد ثابت	بازده نامشهود	لگاریتم نسبت ارزش دفتری به ارزش بازار دوره قبل	بازده مبتنی بر ارزش دفتری	سرمایه گذاران نهادی	اثر متقابل	ضریب تعیین
۱۳۸۹/۰۶/۳۱	۵/۴۶	۰/۰۲۹ (۱/۵۶۷)	۰/۰۸ (۳/۴۷)	-۰/۰۱۲ (-۱/۰۳)	-۰/۰۴۴ (-۲/۲۱)	۰/۰۰۱ (۰/۲۴)	-۰/۰۱۶ (-۲/۷۸) ()	۹/۷٪
۱۳۸۹/۱۲/۳۰								
۱۳۹۰/۰۶/۳۱	۴/۳۳	۰/۰۶۳ (۳/۳۱)	-۰/۰۱۲ (-۰/۳۸)	-۰/۰۰۵ (-۰/۳۷)	۰/۰۰۴ (۰/۲۱)	-۰/۰۰۶ (-۰/۱۷)	۰/۰۱۵ (۲/۵۱)	۱۱/۴٪
۱۳۹۰/۱۲/۳۰	۳/۳۵	۰/۰۰۲ (۰/۰۸۷)	۰/۱۲۱ (۴/۰۷)	۰/۰۰۲ (۰/۰۹۱)	-۰/۰۳۲ (-۱/۱۸)	۰/۰۰۲ (۰/۵۲)	-۰/۰۰۲ (-۳/۱۹) ()	۸/۸٪
۱۳۹۱/۰۶/۳۱	۴/۹۹	-۰/۰۲۳ (-۱/۱۹۷) ()	۰/۱۳ (۳/۸۵)	۰/۰۳۸ (۲/۰۲۱)	-۰/۰۰۳ (-۰/۱۵۳)	۰/۰۰۳ (۱/۰۹۷)	-۰/۰۱۲ (-۲/۱۸) ()	۱۳٪
۱۳۹۱/۱۲/۳۰	۳/۷۶	۰/۱۲ (۳/۲۳)	۰/۰۸۳ (۱/۵۵)	۰/۰۱۶ (۰/۶۷)	-۰/۰۲۳ (-۰/۶۸)	-۰/۰۰۲ (-۰/۳۸)	-۰/۰۳۵ (-۳/۵)	۹/۶٪
۱۳۹۲/۰۶/۳۱	۲/۹	-۰/۰۳۱ (-۱/۴)	۰/۰۱۴ (۰/۷)	-۰/۰۰۳ (-۰/۳۶)	۰/۰۱۱ (۰/۷۶۷)	۰/۰۰۱۵ (۰/۱۲)	-۰/۰۰۵ (-۰/۷)	۷/۷۵٪
۱۳۹۲/۱۲/۳۰								
میانگین کل	۳/۷	۰/۰۱۸۹ (۰/۶)	۰/۰۶۱ (۱/۹۹۵)	۰/۰۰۴۶ (۰/۰۹۵)	-۰/۰۱۱ (-۰/۳۶)	۰/۰۰۰۱ (-۰/۰۶۲)	-۰/۰۱۱ (-۱/۵)	۹/۷٪

مقدار آماره t ضرایب در ذیل آنها در پرانتز ارائه شده است

منبع: یافته های پژوهش

در این صورت واژگونی قیمت سهام بیشتری برای این شرکت‌ها مورد انتظار است. مقایسه ضریب تعیین مدل مورد استفاده برای آزمون فرضیه دوم (۹/۷٪) با ضریب تعیین مدل مورد

استفاده برای آزمون فرضیه ۱ (۶/۷۷٪) نشان می دهد که با ورود متغیر سرمایه‌گذاران نهادی به مدل، توان توضیح دهندگی آن افزایش یافته است.

آزمون‌های زیربنایی رگرسیون شامل فرض ناهمبسته بودن باقیمانده‌ها ($1/5 < DW < 2/5$) و فرض ثابت بودن واریانس (نمودار پراکنش فاقد شکل مشخص) و عدم وجود همخطی بین متغیرهای پیشگو ($1 < VIF < 4$) برقرار بود. فرض نرمال بودن باقیمانده‌ها در اکثر موارد تایید گردید که با توجه به تعداد زیاد مشاهدات که در غالب موارد بیش از ۱۷۰ مشاهده بودند انحراف از این فرض در برخی موارد خللی در اعتبار نتایج حاصله ایجاد نمی‌کند. معنادار نبودن آماره t و کوچک بودن متوسط ضریب اثر متقابل سرمایه‌گذار نهادی و بازده نامشهود ناشی از وجود ضرایب با علامت مثبت و منفی است که طی عملیات میانگین‌گیری خنثی شده اند.

۸- نتیجه‌گیری

در این پژوهش، واکنش سرمایه‌گذاران نسبت به اطلاعات نامشهود مورد بررسی قرار گرفت، یعنی اینکه آیا بازار اطلاعات موجود در بازده‌های نامشهود را بدرستی تفسیر می‌نماید. اگر بازده‌های نامشهود توان پیش‌بینی بازده‌های آتی سهام را داشته باشند، این بدان معنا خواهد بود که سرمایه‌گذار واکنش بیش از حد/کمتر از حد نشان می‌دهند. به نظر می‌رسد از سال ۱۳۸۹ تا سال ۱۳۹۲ براین رفتار سرمایه‌گذاران رفتار مبتنی بر فرااطمینان بوده است.

اما میانگین ضرایب مدل مبتنی بر روش فاما و مک‌بث نشان‌دهنده این است که بازده نامشهود بطور منفی با بازده آتی مرتبط است. در واقع در بیشتر موارد، سرمایه‌گذاران در قبال اطلاعات نامشهود، واکنش بیشتر از واقع نشان داده‌اند و با گذشت زمان قیمت کاهش یافته و سهام به قیمت ذاتی خود نزدیک شده است.

در تفسیر نتایج حاصله می‌توان بیان داشت که بازار به اجزای بازده واکنش یکسان نشان نمی‌دهد. نتایج این پژوهش بطور کلی با جنبه‌هایی از مدل رفتاری باربریز و همکاران (۱۹۹۸) مغایرت و با جنبه‌هایی از مدل رفتاری دنیل و همکاران (۱۹۹۸) مطابقت دارد. به عنوان مثال، باربریز و همکاران (۱۹۹۸) عنوان می‌دارند هنگامیکه سرمایه‌گذاران یک سری از اطلاعات ناسازگار را در کوتاه مدت تفسیر می‌نمایند، تحت تاثیر انحراف محافظه‌کاری قرار می‌گیرند و مایل به واکنش کمتر از حد می‌شوند. بنابراین، از جنبه قیمت‌گذاری، همبستگی مثبتی بین اطلاعات مورد بررسی و بازده‌های آتی وجود دارد.

این احتمال که بتوان همبستگی مثبتی بین بازده نامشهود و بازده‌های آتی را در دوره‌های زمانی کوتاه تر مشاهده کرد هم با نتایج چن^۱ (۲۰۰۳) مغایر است. وی نشان داد که طی یک ماه، تداوم قیمت‌ها بدون همراهی پوشش اخبار با بازده‌های آتی بطور منفی ارتباط دارد. بعبارت دیگر، شواهد نشان می‌دهند که بازده نامشهود همبستگی منفی با بازده طی پنج سال (دنیل و تیتمن، ۲۰۰۶)، طی یک سال (چنگ، ۲۰۰۷) و یک ماه (چن، ۲۰۰۳) دارد.

در مدل دنیل و همکاران (۱۹۹۸)، سرمایه‌گذاران درمورد اطلاعات شخصی اشان که از نظر تئوری با اطلاعات نامشهود قابل مقایسه است، دارای فرااطمینان هستند. بدون فرض‌های بیشتر، مدل آنان پیش‌بینی می‌کند که در کوتاه مدت و بلندمدت همبستگی منفی بین بازده‌ها وجود داشته باشد که با نتایج این پژوهش، پژوهش چن (۲۰۰۳) و دنیل و تیتمن (۲۰۰۶) همخوانی دارد.

اسلامی بیدگلی و طهرانی (۱۳۸۶) در پژوهش پیمایشی در سال ۱۳۸۵ به رابطه معناداری بین فرااعتمادی و حجم معاملات دست یافته‌اند. جهانخانی، نوفرستی و قراگزلو (۱۳۸۸) وجود فرااعتمادی را در بین سرمایه‌گذاران بورس اوراق بهادار رد کردند اما بدری و کوچکی (۱۳۹۲) که به بررسی تجربی دو انحراف رفتاری رایج فرااعتمادی و اثر تمایلاتی، در بورس اوراق بهادار تهران، از طریق بررسی رابطه حجم معاملات و بازده با وقفه، پرداخته بودند، شواهدی مبنی بر وجود سوگیری فرااعتمادی در بین سرمایه‌گذاران پیدا نکردند. لیکن، رابطه مستقیم و معناداری بین حجم معاملات سهام منفرد و بازده باوقفه آنها وجود داشت که نشان دهنده وجود اثر تمایلاتی در بین سرمایه‌گذاران است. با این وجود این پژوهش شواهدی را ارائه می‌کند که نشان می‌دهند سرمایه‌گذاران نسبت به اطلاعات نامشهود دچار انحراف فرااطمینان شده‌اند.

نتیجه آزمون فرضیه دوم پژوهش مطابق با مبانی نظری فرضیه نشان می‌دهد تمایل سرمایه‌گذاران نهادی به رفتار گروهی در موقعیت‌های وجود اطلاعات نامشهود، واکنش بیش از حد سرمایه‌گذاران را افزایش داده است که این خود موجب اضافه ارزشگذاری سهام شده است و با گذشت زمان قیمت تعدیل شده است. در تایید نتایج این پژوهش، کشاورز حداد و رضایی (۱۳۸۹) بروز رفتار گروهی در بین سرمایه‌گذاران نهادی را تایید کردند و سطح آن را بالاتر از کشورهای توسعه یافته نشان دادند. همچنین نتایج پژوهش مطابق با نتایج جیانگ (۲۰۱۰) است.

۸-۱- محدودیت های پژوهش

۱. محاسبه بازده نامشهود با استفاده از سایر معیارهای حسابداری مانند سود، وجه نقد عملیاتی و فروش، طبق مقاله دنیل و تیتمن (۲۰۰۶)، ممکن است منجر به نتایج متفاوتی گردد که این امر نیازمند پژوهش های بیشتر می باشد ولی به هر حال ایجاب می کند در استفاده از نتایج این پژوهش با احتیاط بیشتری اقدام شود. بر این اساس پیشنهاد شماره ۳ ارائه شده است.

۲. در این پژوهش از اطلاعات صورتهای مالی سه ماهه و نه ماهه استفاده شده است که حسابرسی نشده اند و از سوی دیگر اطلاعات شش ماهه و سالانه از صورتهای مالی حسابرسی شده استخراج شده اند. این تفاوت می تواند منجر به تفاوت در کیفیت اطلاعات گردیده و احتمالا بر رفتار سرمایه گذاران تاثیر بگذارد. این اثر در این پژوهش کنترل نشده است.

۸-۲- پیشنهاد برای پژوهش های آتی

۱. بررسی تاثیر عوامل مختلف مانند اندازه، نوسانات وجه نقد عملیاتی و ... به عنوان معیارهای ریسک، بر واکنش بازار نسبت به اطلاعات نامشهود (دارای مبانی نظری لازم)

۲. انجام مجدد این پژوهش با استفاده از سایر معیارهای رشد مانند تغییرات سود و وجه نقد عملیاتی بجای نسبت ارزش دفتری به ارزش بازار در محاسبه بازده نامشهود.

منابع

۱. اسلامی بیدگلی، غلامرضا و طهرانی، اشرف (۱۳۸۹). بررسی رابطه اعتماد بیش از حد سرمایه گذاران انفرادی و حجم مبادلات آنها در بورس اوراق بهادار تهران. **پژوهشنامه اقتصادی**، ۳۹، ۲۵۴-۲۳۱.
۲. افلاطونی، عباس و سهرابی، روح الله (۱۳۹۴). تاثیر بی قاعدگی تقویمی ایام مذهبی بر استفاده از اطلاعات محرمانه در معاملات سهام. **پژوهش های حسابداری مالی**، ۷، ۲، ۱-۱۶.
۳. بدری، احمد و کوچکی، احمد (۱۳۹۲). حجم معاملات و بازده سهام: شواهدی از بورس اوراق بهادار تهران بر اساس تحلیل مالی رفتاری. **فصلنامه حسابداری مالی**، سال ۵، ۱۸، ۱-۲۴.

۴. تهرانی، رضا؛ انصاری، حجت اله و سارنج، علیرضا (۱۳۸۷). بررسی وجود پدیده بازگشت به میانگین در بورس اوراق بهادار تهران با استفاده از آزمون نسبت واریانس. **فصلنامه مطالعات حسابداری**، ۱۵، ۵۴، ۱۷-۳۲.
۵. ثقفی، علی و باغومیان، رافیک (۱۳۸۸). تبیین ارتباط ارزشی اطلاعات حسابداری از منظر اندازه‌گیری و رفتاری. **فصلنامه مطالعات حسابداری**، ۲۵، ۱-۵۲.
۶. جلالی نائینی، غلامرضا؛ هاشمی نژاد، سید محمد؛ ثنایی اعلم، محسن و ابراهیمی، سید بابک (۱۳۹۰). بررسی تاثیر اعمال مقررات محدودیت نوسان قیمت بر کارایی بورس اوراق بهادار تهران. **فصلنامه بورس اوراق بهادار**، ۴، ۱۳، ۸۷-۱۱۱.
۷. جهانخانی، علی، نوفرستی، محمد و قراگوزلو، فرهنگ (۱۳۸۸). بررسی اطمینان بیش از اندازه سرمایه‌گذاران و حجم معاملات در بورس اوراق بهادار تهران. **چشم‌انداز مدیریت**، ۳۰، ۱۰۵-۱۲۳.
۸. راعی، رضا و فلاح‌پور، سعید (۱۳۸۳). مالی‌رفتاری، رویکردی متفاوت در حوزه مالی، **تحقیقات مالی**، ۱۸، ۱۰۶-۷۷.
۹. رحمانی، علی؛ حسینی، سید علی و رضاپور، نرگس (۱۳۸۹). رابطه مالکیت نهادی و نقدشوندگی سهام در ایران. **بررسی‌های حسابداری و حسابرسی**، ۱۷، ۶۱، ۵۴-۳۹.
۱۰. شیرکوند، سعید؛ محمد، شاپور و دولتی، نیکو (۱۳۸۷). بررسی وجود بازگشت به میانگین در قیمت‌های سهام در بورس اوراق بهادار تهران. **تحقیقات مالی**، ۱۰ (۲۵)، ۵۶-۴۱.
۱۱. فدایی نژاد، محمد اسماعیل و کامل نیا، مجتبی (۱۳۹۵). واکنش بازار به اطلاعات مشهود و نامشهود در بورس اوراق بهادار تهران. **فصلنامه مدیریت دارایی و تأمین مالی**، سال ۴، ۱، ۳۶-۱۹.
۱۲. فروغی، داریوش و نادم، مسعود (۱۳۸۹). بررسی تأثیر ویژگی‌های خاص سازمانی بر رابطه سود و بازده. **فصلنامه حسابداری مالی**، سال ۲، ۷، ۹۶-۷۳.
۱۳. فروغی، داریوش؛ امیری، هادی و حمیدیان، نرگس (۱۳۹۱). تأثیر بازده نامشهود دوره‌های قبل بر رابطه بین اقلام تعهدی و بازده آینده سهام. **مجله دانش حسابداری**، ۳ (۹)، ۱۲۲-۱۰۱.

۱۴. کرباسی یزدی، حسین؛ نوری فرد، یداله، و چناری بوکت، حسن (۱۳۹۱). مطالعه پدیده بازگشت به میانگین در بورس اوراق بهادار تهران با استفاده از آزمون ریشه واحد. **فصلنامه دانش سرمایه‌گذاری**، ۱، ۴، ۱۰۳-۸۷.

۱۵. کشاورز حداد، غلامرضا، و رضائی، محمد (۱۳۸۹). آزمون و تحلیل وجود رفتار گله‌ای در بین سرمایه‌گذاران نهادی بازار سهام ایران. **فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی ایران**، ۱۵(۴۵)، ۱۳۸-۱۰۳.

16. Barberis, Nicholas; Andrei, Shleifer, and Robert, Vishny (1998). A model of investor sentiment, **Journal of Financial Economics**, 49, 307-343.
17. Bhootra, Ajay (2013). On the Role of Intangible Information and Capital Gains Taxes in Long-Term Return Reversals. **Financial management**, 42(3), 537-573.
18. Brandon, R., Westermann, G., R. (2013). Stock prices' overreaction corrections: Firm-specific and market-wide attributes. Working paper, available at [http://www.gfri.ch/index.php?dispatch=attachments](http://www.gfri.ch/index.php?dispatch=attachments&attachment_id=186). Getfile
19. Chan, Wesley S., (2003). Stock price reaction to news and no-news: drift and reversal after headlines, **Journal of Financial Economics**, 70, 223-260.
20. Chang, Y., H. Cheng (2015). Information environment and investor behavior. **Journal of Banking and Finance**, 59, 250-264.
21. Chang, Yen-cheng (2007). Market Reactions to Intangible Information: Underreaction, Overreaction, and Firm Characteristics. Working paper, available at <http://citeseerx.ist.psu.edu/viewdoc/download?doi=10.1.1.192.6613&rep=rep1&type=pdf>
22. Cohen, Randolph B., Gompers, Paul A., b, Tuomo, Vuolteenaho (2002). Who underreacts to cash-flow news? Evidence from trading between individuals and institutions. **Journal of Financial Economics**, 66, 2-3, 409-462

23. Daniel, Kent D. and Hirshleifer, David, and Subrahmanyam, Avanidhar (1998). Investor psychology and security market over- and under-reactions, **Journal of Finance**, 53, 1839-1885.
24. Daniel, Kent D., and Sheridan, Titman (2006). Market reactions to tangible and intangible information. **Journal of Finance**, 61, 1606-1643.
25. De Bondt, W. F. M. and R., Thaler (1985). Does the Stock Market Overreact?. **The Journal of Finance**. 40, 3, 793-805.
26. Fama, Eugene F. and Macbeth, James (1973). Risk, return and equilibrium: empirical tests. **Journal of Political Economy**, 81, 607-636.
27. Hirshleifer, David, (2001). Investor psychology and asset pricing, **Journal of Finance**, 56, 1533-1596
28. Hong, Harrison, and Jeremy C., Stein (1999). A unified theory of underreaction, momentum trading and overreaction in asset markets, **Journal of Finance**, 54, 2143-2184.
29. Jiang, H. (2010). Institutional Investors, Intangible Information and the Book-to-Market Effect. **Journal of Financial Economics**, 96(1), 98-126.
30. Kim, Oliver, and Verrecchia, Robert E., (1994). Market Liquidity and Volume around Earnings Announcements. **Journal of Accounting and Economics**, 17, 41-67.
31. Kim, Oliver, and Verrecchia, Robert E., (1997). Pre-Announcement and Event-Period Private Information. **Journal of Accounting and Economics**, 24, 395-419.
32. Scharfstein, David S., and Stein, Jeremy C. (1990). Herd Behavior and Investment. **The American Economic Review**, 80(3), 465-479.
33. Sprenger, Timm O., Welpe, Isabell M. (2011). News or Noise? The stock market reaction to different types of company-specific news events. Working paper available at: <http://ssrn.com/abstract=1734632>.

34. Sun, Lei, K. C., Wei, John (2011). Intangible Information and Analyst Behavior, Working Paper, Hong Kong University of Science and Technology.
35. Zhang, X. Frank (2006). Information Uncertainty and Stock Returns. **Journal of Finance**, 61, 105-137.